فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره اول (پیاپی ۲۳)، بهار ۱۳۹۷
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۳۶-۱۹

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه در روستاهای شهرستان کرمانشاه

حوریه مرادی*؛ استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، گروه جغرافیا، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
فرهاد جوان؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۵/۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۲/۵

چکیده

هدف این مقاله واکاوی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه است. این پژوهش از نوع کاربردی بوده که با روش کیفی انجام شده است. روش انتخاب نمونه‌ها به صورت نمونه‌گیری هدفمند بوده و جمع‌آوری داده‌ها با بهره‌گیری از مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته تا مرحله اشباع نظری ادامه یافته است. در مجموع از مصاحبه با ۱۵ نفر از کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان کرمانشاه، اشباع نظری حاصل شد. برای تحلیل داده‌های به دست آمده از روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و انتخابی استفاده گردید و در نهایت مدل پارادایمیک درک معنایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بنگاه-های اقتصادی در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه ترسیم گردید. نتایج نشان داد رشد فعالیت‌های اقتصادی و تشکیل بنگاه‌های تجاری نوآورانه در شبکه اقتصاد فضایی نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه بیشتر در بستر فعالیت‌های کشاورزی بوده و در گذر زمان از فعالیت‌های صنعتی نواحی روستایی کاسته شده است. همچنین، سنجش متغیرهای مؤثر نیز گویای این است که به ترتیب متغیرهای عوامل سرمایه انسانی و اقتصادی در شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه دارای بیشترین اهمیت بوده است.

واژگان کلیدی: بنگاه های روستایی، توسعه اقتصادی روستا، بنگاه‌های کارآفرینانه، شهرستان کرمانشاه.

* moradi.ho@lu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱) مقدمه

از نیازهای جدی اقتصاد هر کشوری، رشد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی است. در شرایطی که کاهش درآمد سرانه نفتی و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور، بهره‌وری پایین و گرایش به تعدیل نیروی انسانی در سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت را افزایش داده و تعداد تازه‌واردان به عرصه کار، بیکاری را به معضل بزرگ اقتصادی و اجتماعی این زمان بدل کرده است؛ به نظر می‌رسد توسعه بنگاه-های اقتصادی در جوامع محلی یک ضرورت جدی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (برادران و آل‌بویه، ۱۳۸۷: ۳). از همان دوران ابتدایی علم، جستجو برای ایجاد سیاست‌هایی که مبتنی بر رشد و توسعه در جوامع باشد، کانون کشف اقتصادی بوده است. رشد اقتصادی با گسترش اقتصاد مبتنی بر ساختار فعلی آن مرتبط است و توسعه اقتصادی به معنای فرآیند تحولات ساختاری است که به طور کلی، منجر به رشد بالاتری نسبت به رشد اقتصادی می‌شود (Brinkman, 1995: 1183).

در اقتصاد مدرن، تخصص‌های انسانی و ایده‌های آنها ارزش افزوده بیشتری تولید می‌کند (عربیون و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۸). در این اقتصاد، افرادی که ثروت‌ها را تولید و مصرف می‌کنند بنیان هر گونه فعالیت اقتصادی به‌شمار می‌آیند، به‌گونه‌ای‌که، در هر کشوری تولید ملی به مجموعه نیروی کار جمعیت فعال آن بستگی دارد که ظرفیتی را بر تولید ملی تحمیل می‌کند. از این‌رو، قبل از هر چیز باید در جمعیت فعال اثر گذاشت و سطح دانش و آگاهی‌های فنی و قدرت تولید آن را بالا برد، زیرا هر تغییری در سرمایه و تولید در نهایت به جمعیت فعال منتقل می‌گردد (جوان، ۱۳۹۰: ۲۰۲). واقعیت نشان می‌دهد، اقتصاد نوآورانه در کشورهای در حال توسعه نتوانسته است به عنوان بخشی از نظریه اقتصادی مدرن توسعه یابد. بسیاری از اقتصاددانان نئوکلاسیک دریافتند که از مشکلات این کشورها در یافتن الزامات لازم برای شروع اقدامات کارآفرینانه است (Bashir, 2013: 16). رشد بالا و توسعه بهتر اقتصادی از جمله اهداف کلان توسعه ملی است که همه اقتصادها به دنبال آن هستند و علت آن وجود منافع و مزایایی است که رشد اقتصادی به ارمغان می‌آورد. از جمله مهم‌ترین آنها، سطح بالاتر رفاه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی است که هدف نهایی سیاست‌گذاران هر کشوری است (کاظمی‌ترقبان و مبارکی، ۱۳۹۱: ۱۲۶)؛ به عبارتی، تقویت فضای لازم برای رشد اقدامات نوآورانه و ایجاد بستر مناسب برای توسعه اقتصادی از ابزار پیشرفت اقتصادی کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است (خنیفر و وکیلی، ۱۳۸۷: ۳۶).

روستا به عنوان یک مکان با ویژگی‌های اقتصادی خاص خود از نظر فعالیت‌ها و جریان‌های نوآورانه جایگاه خاصی را در دانش اقتصادی و اجتماعی بر عهده دارد (رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۲: ۲۶۸). جایگاه بخش کشاورزی به‌عنوان موتور محرک رشد و توسعه اقتصادی در ساختار شهری و روستایی از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جمله موضوعاتی است که همواره مورد بحث و اظهارنظر کارشناسان بوده است. شواهد موجود نشان می‌دهد دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی کارکردهای بخش کشاورزی در اقتصاد ایران، بر ضرورت بررسی ابعاد گوناگون آثار و تبعات گسترش فعالیت‌های کشاورزی در مناطق شهری و روستایی، بر جایگاه بخش کشاورزی از منظر نقش برقرارکننده تعادل اقتصادی- اجتماعی تأکید دارد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷). تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه، از ابزارهای پیشرفت کشورهای در حال توسعه است. کارآفرینی با شناسایی فرصت‌های مختلف در زمینه‌های متفاوت و با ایجاد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط زمینه را برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی و اشتغال هموار می‌سازد (قدیری‌معصوم و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۰) و فرصت‌های مناسبی را برای کاهش مخاطرات معیشتی و ماندگاری در مناطق روستایی فراهم می‌آورد (حیدری‌ساربان و مجنونی توتاخانه، ۱۳۹۶: ۹۷).

سرمایه‌گذاری در دانش و سرمایه‌های انسانی بومی نواحی روستایی می‌تواند در سر ریز شدن دانش و ایجاد رشد اقتصادی منطقه مؤثر باشد (Braunerhjelm et al, 2010: 105). توسعه اقتصادی در نواحی روستایی می‌تواند با ایجاد اثرات خارجی مثبت (پذیرش فرهنگی، کاهش هزینه‌ها از طریق تولید تحت دانش و آموزش به روستاییان، تشکیل خوشه‌ها و شبکه‌های فضایی و اجتماعی (انجمن‌های کارآفرینان) در روستاها) (Acs & Virgil, 2009: 54)، نقش مؤثرتری در تشکیل فعالیت‌های کارآفرینی بنگاه‌های اقتصادی در محیط روستایی ایفا نماید؛ توسعه اقتصاد روستایی از طریق صنعتی شدن، فقط می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری‌های همزمان و بهبود بهره‌وری در بخش کشاورزی پایدار باشد (Fei and Ranis, 1969, P. 386-400). سرمایه‌گذاری‌های مستمر در بخش کشاورزی در طول فرآیند توسعه برای دستیابی به توسعه "متوازن" نیز مهم هستند (Johnston and Mellor, 1961: 566-93). بدین ترتیب، توسعه اقتصادی مستلزم تغییر است و کارآفرین شدن، بهترین عامل برای این تغییر در محیط روستایی است (Hayek, 1945: 520). بدین‌سان، شناسایی اقدامات لازم برای شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه در بررسی رابطه بین کارآفرینی و رشد اقتصادی منطقه‌ای ضروری است.

ایران در طی سه دهه اخیر، علی‌رغم برخورداری از درآمدهای نفتی معادل ۶۴۴ میلیارد دلار در طی ۲۹ سال گذشته از رشد و پیشرفت خاصی برخوردار نبوده است (حبیب‌زاده، ۱۳۹۴: ۴)؛ به طوری که، هیچ یک از مشکلات ساختاری این اقتصاد (از قبیل نرخ تورم و بیکاری) از بین نرفته است؛ چرا که نفت از یک طرف انگیزه کار و تولید را از جامعه سلب کرده و از طرف دیگر دعواهای سیاسی و اجتماعی بر سر توزیع درآمدهای نفتی است. راه رهایی از تله فقر و فقرزدایی اقتصاد ایران را باید در کار و تولید و ایجاد فرصت‌های شغلی و فضاسازی کارآفرینی در مرزهای جغرافیایی کشور دانست (همان منبع).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شهرستان کرمانشاه یکی از کانون‌های پرجمعیت واقع در غرب کشور است که بنا به ظرفیت‌های طبیعی و موقعیت استراتژیک در منطقه غرب کشور، تحولات جمعیتی و سکونت‌پذیری آن حاکی از آهنگ رشد جمعیت استان است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). بدین‌سان، نیاز روز افزون به اشتغال، افزایش راه‌های کسب و کار و رشد درآمد در آینده‌ای نه چندان دور در این ناحیه اهمیت و ضرورتی اساسی دارد. بر اساس اظهارات کارشناسی سازمان جهاد کشاورزی و پارک علم و فناوری استان، برنامه‌های توسعه‌ای، در حال حاضر این استان، با مشکلاتی مانند از بین رفتن و یا ورشکستگی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه مواجه است، که از پیامدهای آن افزایش بیکاری و توسعه نیافتگی منطقه، رشد نرخ فقر و افزایش شکاف درآمد سرانه را می‌توان نام برد. در این مقاله سعی بر این است که به تحلیل درک معنایی مطلعین کلیدی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه پرداخته شود.

۲) مبانی نظری

آنچه امروز اهمیتی روز افزون می‌یابد، توجه به این واقعیت است که جوامع روستایی در حال پیچیده‌تر شدن هر چه بیشتر است. این‌گونه پیچیدگی در تنوع‌پذیری الگوهای فعالیت و جابه‌جایی افراد، خانوارها و نهادهای روستایی و به طورکلی در حجم روز افزون جریان اطلاعات، سرمایه و نوآوری در روستاها به وضوح قابل مشاهده است. بدیهی است که این فرآیند نه تنها به برپایی شبکه‌های فضایی می‌انجامد، بلکه زمینه‌ساز تولید سرمایه و شبکه‌های اجتماعی است که رشد درون‌زای ناحیه را منجر می‌شود. آشکار است که افراد و گروه‌های انسانی در این چارچوبِ مبتنی بر مکان ـ فضا، نه تنها محیط را دگرگون می‌سازند، بلکه با فعالیت‌ها و روابط خود، فضاهایی تولید می‌کنند که می‌تواند رو به توسعه باشد (سعیدی، ۱۳۸۹: ۴ـ۸).

مهم‌ترین ویژگی و عصاره توسعه اقتصادی در جوامع، آن است که تشکیل سرمایه سهم زیادی در تولید داشته باشد، از این‌رو، در تبیین چرایی بروز رکود شدید در جریان رشد و توسعه اقتصادی نواحی، می‌توان به کمبود سرمایه لازم در تولید اشاره کرد که رسیدن به این مقصود در وهله‌ی اول نیازمند داشتن سرمایه انسانی (نیروی کار) کارآمد و متخصص در زمینه تولید است که کشور ما به شدت از نبود آن رنج می‌برد (عظیمی‌آرانی، ۱۳۹۰: ۹۴). از طرفی، تاریخ توسعه‌ی کشورها بیان می‌کند، رشد بی‌رویه شهرها و نارسایی‌ها و پیچیدگی‌های اجتماعی و اقتصادی کشورها، در واماندگی، تزلزل و فروپاشی حیات روستایی ریشه دارد، به طوری‌که رشد و توسعه‌ی بسیاری از کشورها در گرو ساماندهی اقتصادی عرصه-های روستایی است (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱). بسیاری از صاحبنظران بر این باورند که روستا بدون شهر می-

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تواند به حیات خود ادامه دهد؛ اما شهر بدون روستا متزلزل شده و از هم می‌پاشد (گلزاری، ۱۳۸۶: ۳۰). از این‌رو، چالش‌های اقتصادی فضاهای روستایی، از نقش بنیادی و زمینه‌ساز برای دیگر حوزه‌ها برخوردار است (Vidican, 2009; Pa sakarnis & Maliene, 2010) و شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه در این نواحی می‌تواند با داشتن دو نقش اشاعه نوآوری و افزایش رقابت به رشد اقتصادی در منطقه کمک نمایند (Wennekers & et al, 1999: 29). با توجه به اهمیت این موضوع، در این مقاله، برخی از متغیرهای لازم برای شکل‌گیری بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی کارآفرینانه در بسترهای جغرافیایی (سرمایه کارآفرینی، سرمایه انسانی، متغیر جمعیت‌شناختی و اقتصادی) و عوامل اثرگذار بر رشد و گسترش بسترهای کارآفرینی در نواحی مختلف از دیدگاه محققان متعددی تشریح می‌گردد.

سرمایه کارآفرینی: آقدریچ و کلیماج (۲۰۰۴) سرمایه کارآفرینی را به عنوان معیار سنجش کارآفرینی، که در تابع تولید نئوکلاسیک نادیده گرفته شده بود، به‌کار گرفته‌اند. سرمایه کارآفرینی بیان می‌کند که "چگونه ظرفیت عوامل اقتصادی، در جهت تولید شرکت‌های جدید به‌کار گرفته می‌شود". بازده اقتصادی می‌تواند اثرات مثبتی بر سرمایه کارآفرینی به سه دلیل داشته باشد: یک مکانیسم سرریز دانش، افزایش در تعداد شرکت‌ها (رقابت) و تنوع بین شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی. به عبارتی سرمایه کارآفرینی همان افزایش توانایی شرکت‌ها در پذیرش فناوری جدید و گسترش دادن ایده‌ها در دیگر شرکت‌هاست. انتقال واحدهای مشاهده از شرکت‌ها به افرادی مانند دانشمندان، مهندسان و دیگر کارگزاران دانش از اثرات به کارگیری سرمایه کارآفرینی در بنگاه‌های اقتصادی است. افزایش رقابت از طریق افزایش شرکت‌ها، نشر و انتشار دانش محلی و رقابت در تولید ایده‌های جدید توسط عوامل اقتصادی مهم‌تر از رقابت در بازار تولید است. به بیان دیگر، افزایش تعداد شرکت‌هایی که ایده‌های جدید را تولید می‌کنند، می‌تواند به تشکیل شرکت‌های جدید با محصولات جدید کمک کنند و به بازار عرضه شوند. این تنوع معنا از شرکت‌ها، نه تنها موجب به‌وجود آمدن شرکت‌های مختلف در همان محل و موقعیت می‌گردد، بلکه به احتمال زیادی بر رشد اقتصادی در همان محل تأثیر می‌گذارد (Audretsch and Keilbach, 2004). متغیرهای سرمایه کارآفرینی در این تحقیق عبارتند از: تراکم کسب و کارهای صنعتی، تشکیل شرکت‌های جدید (کشاورزی، صنعت و خدمات)، درصد از بین رفتن شرکت‌های موجود، رشد خوداشتغالی در نواحی روستایی. خوداشتغالی اقدامی است که به طور معمول در مطالعات کارآفرینی به دلیل در دسترس بودن داده‌های آن مورد استفاده قرار می‌گیرد (Mandelman and Montes-Rojas, 2009; Parker, 2004; Hamilton, 2000; Henderson, 2006; Acs et al., 2005).

خوداشتغالی، موضوع مهمی در دهه‌های اخیر است که افراد را قادر می‌سازد کسب و کاری را شروع کنند، به نحوی‌که خود، کارفرمایان خود باشند. یک خودکارفرمای موفق کسی است که فرصت‌های جدید

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

را کشف کرده، محصولات جدید را تولید می‌کند و فرآیندهای تولید و روش‌های توزیع را بهبود می‌بخشد؛ در حالی‌که نرخ خوداشتغالی رشد کرده، محیط ریسک‌پذیر شده و توسعه بازار تشویق می‌شوند (Earle and Sakova, 2000). از شاخص‌های دیگری که به طور معمول در اندازه‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه به کار می‌رود، میزان تشکیل شرکت‌های جدید است (Prusa and Schmitz, 1991; Folster, 2000). تشکیل شرکت‌های جدید در بازار به پدیده مهم، اختراع محصولات جدید، بهبود در فرآیندها و افزایش رقابت‌پذیری در بازار اشاره دارد (Fritsch, 1997; Mata and Portugal, 1994). بنابراین، افزایش در تعداد شرکت‌های جدید به معنی اثرات مثبت بر اشتغال منطقه‌ای است (Fritsch, 1997). بیشتر شرکت‌هایی که برای اولین بار وارد محیط اقتصادی بازار می‌شوند به دلیل انطباق و پذیرش زودتر تکنولوژی، منفعت بیشتری از شرکت‌های دیگر به دست می‌آورند. همانطور که در زمان رقابت بین شرکت‌ها تغییراتی به وجود می‌آید، به دلیل اهمیت در کاهش هزینه تولید و افزایش اقتصادهای بزرگ مقیاس را در مقایسه با نوآوری‌ها در تولید در طول زمان، منجر می‌شود. علاوه بر این، ورود شرکت‌های جدید مشکلات بیشتری را برای شرکت‌های پایدار و کنترل دارایی‌های مکمل را مانند تولید تخصصی، سیستم توزیع و یا خدمات پس از فروش را به وجود می‌آورد (Shane, 2001: 1). در این تحقیق، متغیرهای سرمایه اقتصادی شامل: نرخ بیکاری در روستا، و ارزش متوسط مسکن در روستاها و ثروت فرد تولید کننده روستا (کارآفرین) است.

سرمایه انسانی بر عاملیت انسان در افزایش قابلیت‌های تولید تأکید دارد (احمدپور داریانی و نصیری، ۱۳۹۰: ۹۱). سرمایه انسانی به معنی ارتقای توانایی‌های اکتسابی افراد است و قدرت تولید و بازدهی افراد را به صورت درون‌زا افزایش می‌دهد (رنانی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۳۳). متغیر جمعیت‌شناختی، درصد جمعیت بالای ۶۵ سال (بازنشسته) و درصد افراد مهاجر از روستا به شهر می‌باشند. با توجه به مبانی نظری و ادبیات تحقیق انجام شده شکل (۲) را می‌توان به عنوان چارچوب نظری تحقیق پیشنهاد داد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

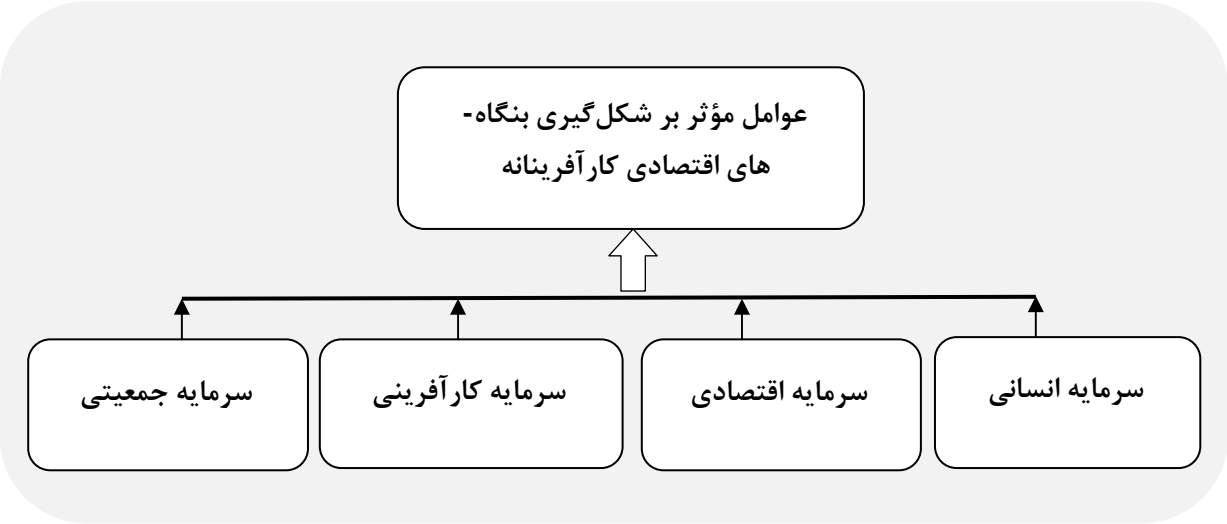

شکل شماره (۱): چارچوب نظری عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه

۳) روش تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی بوده و به روش کیفی انجام شده است. محدوده جغرافیایی مورد مطالعه آن، نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه بوده است. جامعه آماری و روش انتخاب نمونه‌ها به صورت نمونه-گیری هدفمند بوده و انتخاب نمونه‌ها تا مرحله اشباع نظری (رسیدن به مرحله‌ای که نظر یا مورد جدیدی در زمینه پرسش‌های مطرح شده از سوی افراد ذکر نشود) ادامه یافته است. در مجموع از مصاحبه با ۱۵ نفر از کارشناسان جهاد کشاورزی شهرستان کرمانشاه، اشباع نظری حاصل شد. ابتدا نتایج مطالعه زمینه-ای با توجه به درک معنایی از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه روستایی به مقولات و مفاهیم اصلی و فرعی منتهی می‌گردد. برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های انفرادی عمیق نیمه‌ساختاریافته و متنی استفاده گردید. مصاحبه‌ها با سؤالات کلی و ساده شروع و به سمت سؤالات تخصصی و جزیی‌تر پیش رفت و هر مصاحبه حدود ۶۰ دقیقه طول کشید. تمامی مصاحبه‌ها دست‌نویس و تعدادی ضبط گردید و به تأیید مشارکت‌کنندگان رسید. در نهایت تحلیل داده‌های مذکور در قالب کدگذاری‌های متداول سه مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) تئوری بنیانی انجام شد. بدین‌ترتیب، داده-های به دست آمده از هر مصاحبه جهت کدگذاری به صورت نوشتاری درآمد. تحلیل داده‌ها با فرآیندی منظم و در عین حال مداوم از مقایسه داده‌ها صورت گرفت. بعد از هر مصاحبه، متون از صداهای ضبط شده و کلیه مصاحبه‌ها خط به خط خوانده شد و به دفعات، مورد بازنگری مجدد قرار گرفت و با استفاده از کلمات یا عبارات کلیدی موجود در متن یا استنباط شده توسط محقق کدگذاری انجام گردید. به عبارتی، در این فرآیند سه مرحله‌ای و غیرخطی، به مضامین اولیه داده‌ها عنوان‌هایی داده می‌شود و سپس از دل آنها مفاهیم و مقولات استخراج می‌شود و از این رهگذر خوشه‌هایی مفهومی تشکیل می‌شود

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

که هریک به مقولاتی تعلق دارد و سرانجام از ارتباط این مقولات شالوده‌ای سامان می‌یابد و مدل پارادایمیک مورد نظر برای توضیح یک پدیده خلق می‌شود. در طول مطالعه، روش‌هایی برای اطمینان از صحت و پایایی تحقیق مورد استفاده قرار گرفت. تماس و ارتباط طولانی مدت محقق با محل‌های تحقیق، مسئولین مربوطه و مشارکت‌کنندگان، به جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان و نیز به درک محیط پژوهش توسط محقق کمک کرد. برای تأیید صحت داده‌ها و کدها از بازنگری شرکت‌کنندگان استفاده گردید. یعنی بعد از کدگذاری متن مصاحبه به شرکت‌کنندگان بازگردانده شد تا از صحت کدها و تفاسیر اطمینان حاصل شود. کدهایی که از نظر شرکت‌کنندگان بیانگر دیدگاه آنان نبود، اصلاح شد. این روش یکی از وجوه مثلث‌سازی است که منجر به اعتبار درونی تحقیق می‌گردد.

کرمانشاه در غرب کشور واقع شده است، این استان دارای ۱۴ شهرستان، ۲۸ مرکز شهری، ۲۹ بخش، ۸۵ دهستان و ۲۶۲۵ آبادی دارای سکنه است. مهم‌ترین شهرستان‌های استان کرمانشاه عبارتند از: اسلام‌آبادغرب، پاوه، ثلاث‌باباجانی، جوانرود، دالاهو، روانسر، سرپل‌ذهاب، سنقر، صحنه، قصرشیرین، کرمانشاه، کنگاور، گیلان‌غرب و هرسین (شکل ۲). این استان جزو نواحی کوهستانی کشور به شمار می‌آید؛ وجود مراتع غنی در دامنه‌های زاگرس، داشتن استعدادهای ویژه در زمینه آب و خاک آن را در ردیف یکی از قطب‌های مهم دامپروری و کشاورزی در سطح کشور قرار داده است. همچنین وجود منابع آبی فراوان از جمله رودخانه‌های دایمی، چشمه‌ها، سراب‌ها، آبگیرها و تالاب‌ها شرایط مناسبی جهت توسعه پرورش ماهی در استان ایجاد نموده است. از دیگر منابع اقتصادی استان زنبورداری و پرورش طیور است. در بخش کشاورزی، استان کرمانشاه به علت داشتن شرایط خاص اقلیمی و وجود خاک‌های زراعی مرغوب، آب فراوان، دشت‌های وسیع و دره‌های حاصلخیز و طولانی از نواحی مستعد کشاورزی در کشور به شمار می‌آید که امکانات بالقوه بسیار بالایی برای توسعه کشاورزی برخوردار است. همچنین این استان در بخش صنعت، فعالیت‌های چشمگیری دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

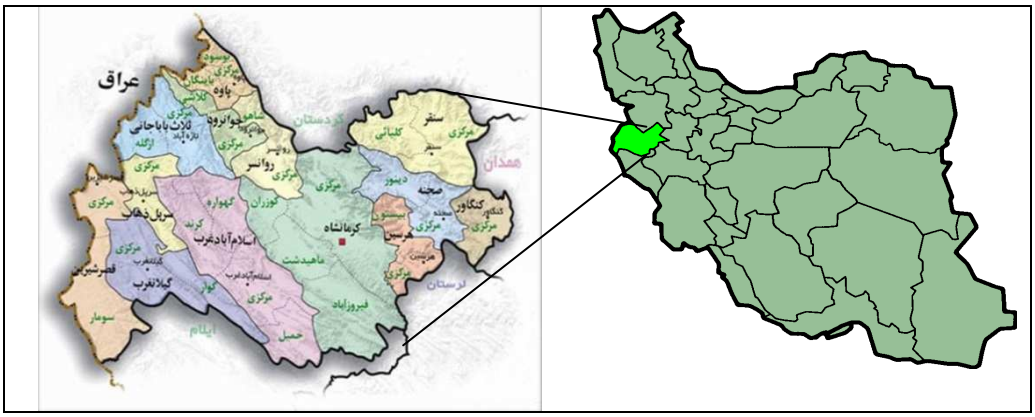

شکل شماره (۲): نقشه شهرستان کرمانشاه به تفکیک بخش و دهستان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۴) یافته‌های تحقیق

با ۱۵ نفر از کارشناسان سازمان جهاد کشاورزی شهرستان کرمانشاه مصاحبه شد که از میان ۱۵ نفر کارشناس مورد مطالعه، ۵ نفر از کارشناسان جهاد کشاورزی شاغل در بخش ستادی مدیریت جهاد کشاورزی استان کرمانشاه، ۵ نفر در سطح سازمانی شهرستان و ۵ نفر نیز شاغل در مراکز خدمات جهاد کشاورزی واقع در دهستان‌های شهرستان کرمانشاه بوده‌اند. جنسیت ۶ نفر از آنها زن و ۹ نفر مرد بوده است. دامنه سنی آنها ۳۳ تا ۵۵ سال و میانگین سنی آنها ۴۱ سال بوده که سطح تحصیلات ۲ نفر از آنان دکتری (توسعه کشاورزی)، ۳ نفر دانشجوی دکتری (توسعه کشاورزی)، ۷ نفر فوق‌لیسانس و ۳ نفر لیسانس در گرایش‌های مختلف مهندسی کشاورزی (ترویج و توسعه روستایی، زراعت و اصلاح نباتات و باغبانی) بوده است.

بعد از گردآوری داده‌های مصاحبه‌ای و متنی، تحلیل و کدبندی در امتداد با نمونه‌گیری نظری آغاز شد. فرآیند انجام کدبندی به روش تحلیل مقایسه‌ای دائمی انجام گرفت و داده‌های گردآوری شده در مرحله اول کدگذاری (کدگذاری باز) مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی شده است. سپس در مرحله کدگذاری محوری و تلفیق داده-ها، مرتبط‌سازی مقوله‌ها و مفاهیم به یکدیگر انجام شد و مقوله‌ها (مفاهیم) و یا طبقات با زیرمقوله‌ها و زیرطبقاتی مشخص و تعریف و باز تعریف شد؛ به طوری‌که متغیرهای مؤثر بر شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه در قالب ۴ طبقه مفهومی سرمایه انسانی، سرمایه اقتصادی، سرمایه جمعیتی و سرمایه کارآفرینی استخراج گردید که در ادامه تشریح شده است (جدول ۴). پس از انجام کدگذاری محوری نهایتاً در مرحله کدگذاری گزینشی متغیر اصلی شناسایی و تعیین گردید (شکل ۲).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (۱): مفاهیم، مقولات عمده و مقوله محور هسته استخراج شده از داده‌های کیفی

مفاهیم (کدگذاری باز سطح اول)	مفاهیم (کدگذاری باز سطح دوم)	مقولات عمده (کدبندی محوری)	مقوله هسته (کدبندی انتخابی)
۱ـ شرکت روستاییان در دوره‌های آموزش کارآفرینی روستایی مراکز خدمات جهاد کشاورزی، ۲ـ سطح تخصص و مهارت شاغلین در کارگاه تولیدات روستایی، ۳ـ گسترش و ایجاد فعالیت‌های کارآفرینی مؤثر بر رشد جعیت روستایی، ۴ـ گسترش و ایجاد فعالیت‌های کارآفرینی و میزان تأثیر در رشد جمعیت فعال (شاغل) روستا، ۵ـ گسترش فعالیت‌های کارآفرینی و میزان تأثیر در رشد اشتغال پایدار جوانان (۱۵ـ ۳۰ سال).	جمعیت (۱۵ تا ۶۴ سال) روستایی	سرمایه انسانی روستایی	متغیرهای سرمایه کارآفرینی روستایی
	جمعیت فعال شاغل روستایی		
۶ـ میزان هزینه برای خرید سیستم‌های ارتباطی رایانه و اینترنت در منزل، ۷ـ میزان هزینه برای خرید تلفن همراه هوشمند، ۸ـ میزان هزینه برای خرید ماشین‌آلات و دستگاه‌های مرتبط با کارآفرینی، ۸ـ میزان هزینه برای خرید اتومبیل و وسایل نقلیه، ۹ـ قیمت منزل مسکونی،۱۰ـ میزان املاک و اموال و دارایی روستاییان،۱۱ـ میزان سرمایه فعلی و وجه نقدینگی روستاییان، ۱۲ـ میزان درآمد، ۱۳ـ پشتوانه مالی کافی و میزان دسترسی روستاییان به سرمایه، ۱۴ـ توزیع کافی وام و تسهیلات بانکی به روستاییان تولید کننده (کارآفرین)، ۱۵ـ یارانه‌های عمومی دولت بر ارتقاء و ایجاد فعالیت‌های کارآفرینی در روستا، ۱۶ـ سرمایه-گذاری و حمایت‌های مالی سازمان‌های دولتی، ۱۷ـ سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، در حمایت مالی از فعالیت‌های کارآفرینی روستا، ۱۸ـ سرمایه‌گذاران مخاطره‌آمیز برای حمایت خصوصی از کارگاه-های کارآفرینی، ۱۹ـ سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کارآفرینی و کاهش نرخ بیکاری جوانان ۲۴ـ ۱۵ساله،۲۰ـ سطح تولید در بخش-های مختلف مشاغل روستایی، ۲۱ـ میزان تولید بخش‌های مختلف مشاغل روستایی، ۲۲ـ تنوع تولید در بخش‌های مختلف مشاغل روستایی، ۲۳ـ آشنایی با بازارهای محلی، منطقه‌ای و ملی شهری و روستایی، ۲۴ـ شناسایی کانال‌های فروش و یافتن مشتری مناسب.	نرخ بیکاری روستایی	سرمایه اقتصادی روستایی	
	ثروت کارآفرین روستایی		
	تولیدات روستایی		
۲۵ـ ایجاد و گسترش فعالیت‌های کارآفرینی و میزان تأثیر در کاهش مهاجرت از روستا به شهر، ۲۶ـ رشد فعالیت‌های کارآفرینی و میزان تأثیر در رشد اشتغال جمعیت فعال از نظر اقتصادی (بیکار قبلاً شاغل و یا بازنشسته) روستا، ۲۷ـ به طور تقریبی جمعیت بالای ۶۵ سال روستا چند نفر است؟ ۲۸ـ جنسیت شاغلین کارگاه تولیدی روستایی،۲۹ـ متوسط سن شاغلین کارگاه تولیدی روستایی، ۳۰ـ سطح تحصیلات شاغلین در کارگاه‌های اقتصادی و تولیدات روستایی.	جمعیت بالای ۶۵ سال روستایی	سرمایه جمعیتی روستایی	
	جمعیت بیکار قبلاً شاغل و یا بازنشسته روستایی		
	مهاجران وارد شده به استان از روستا به شهر		

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ادامه جدول شماره (۱): مفاهیم، مقولات عمده و مقوله محور هسته استخراج شده از داده‌های کیفی

مفاهیم (کدگذاری باز سطح اول)		مفاهیم (کدگذاری باز سطح دوم)	مقولات عمده (کدبندی محوری)	مقوله هسته (کدبندی انتخابی)
۳۱ـ رشد کسب و کارهای صنعتی روستا، ۳۲ـ رشد کارآفرینی کشاورزی، ۳۳ـ رشد تعداد شرکت‌های جدید دامپروری، ۳۴ـ رشد تعداد شرکت‌های آبزیان و پرورش ماهی، ۳۵ـ رشد کارآفرینی در حیطه صنایع دستی، ۳۶ـ از بین رفتن کسب و کارهای صنعتی، ۳۷ـ از بین رفتن شرکت‌های کارآفرینی کشاورزی، ۳۸ـ از بین رفتن شرکت‌های پرورش ماهی و آبزیان و کارگاه‌های صنایع دستی، ۳۹ـ میزان رضایت از درآمد حاصل از فعالیت کارآفرینی، ۴۰ـ میزان رضایت از میزان درآمدخود درمقایسه با هزینه‌های زندگی، ۴۱ـ درآمد تولیدات شما تا چه اندازه در افزایش رفاه زندگی‌تان مؤثر بوده است؟ ۴۲ـ افزایش درآمد حاصل از فعالیت‌های کارآفرینی و اثر بر قدرت خرید مردم روستا، رضایت از محیط کاری کسب و کار روستایی، ۴۳ـ میزان اطمینان روستاییان در برابر از دست ندادن شغل فعلی خود، ۴۴ـ تأثیر مزایای کاری مثل بیمه و بازنشستگی در رضایت شغلی، ۴۵ـ وجود فرصت‌های شغلی رضایت بخش در سطح روستا، ۴۶ـ اشتغال‌زایی از طریق کسب و کار تولیدی و اثر بر افزایش جمعیت روستا.		تراکم کسب و کارهای صنعتی روستایی تشکیل شرکت‌های جدید روستایی تعداد شرکت‌های از بین رفته روستایی	سرمایه کارآفرینی روستایی	متغیرهای سرمایه کارآفرینی روستایی
تعداد مفاهیم و مقولات	۴۶	۱۱	۴	۱

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶.

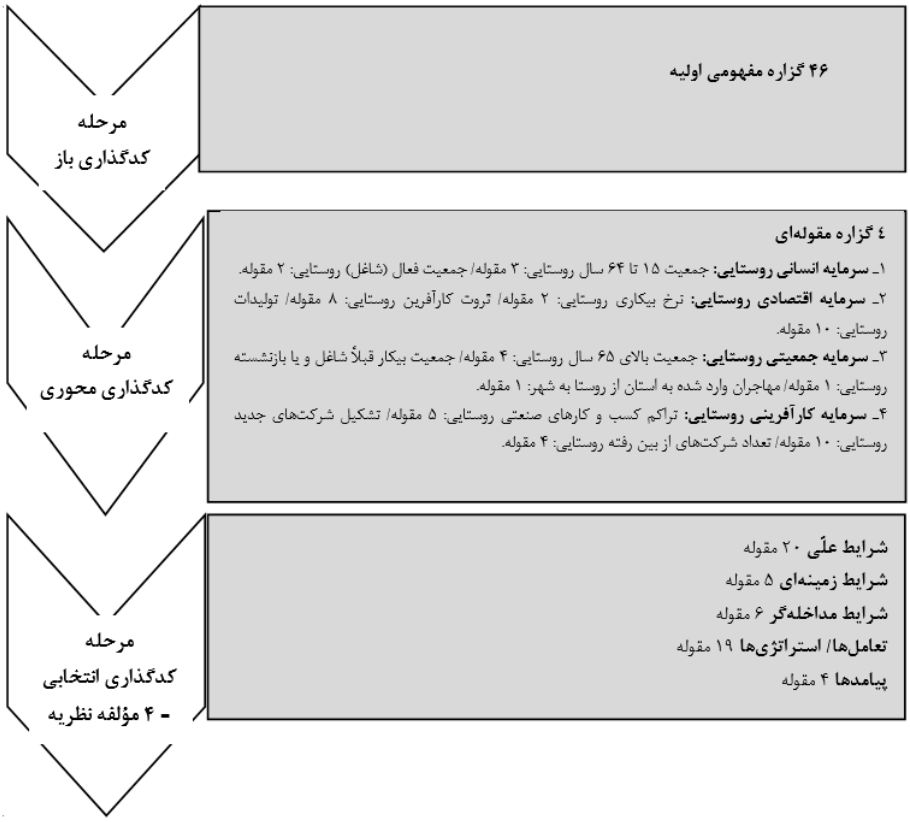

شکل شماره (۳): جریان تقلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

در این مرحله محقق ضمن تمرکز بر فرآیندی که در داده‌ها نهفته بود، توجه خود را برای تعیین مقوله هسته‌ای (متغیری که بیش از همه در داده‌ها تکرار شده و قادر است سایر متغیرها را به یکدیگر ارتباط دهد) معطوف نمود. در این میان "متغیرهای سرمایه کارآفرینی روستایی" مقوله‌ی هسته‌ای (متغیر اصلی) بود که به طور مستقیم و غیرمستقیم سایر متغیرها (سرمایه انسانی، سرمایه اقتصادی، سرمایه جمعیتی) را تحت تأثیر خود قرار می‌داد و در کلیه داده‌ها به طور واضحی مطرح شده بود. بعد از تعیین مقوله محوری یا هسته، سایر مقولات حول مقوله محوری در قالب یک مدل پارادایمیک ترسیم شد. این مدل که در واقع همان نظریه‌ی زمینه‌ای مبتنی بر داده‌هاست دارای سه بعد شرایط، تعاملات و پیامدهاست (شکل ۳).

همان‌طور که در مدل پارادایمیک (شکل ۳) نشان داده شده است، یکسری شرایط و بسترها در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه وجود دارد که منجر به ایجاد فضای اقتصادی خاص آن منطقه شده است. این شرایط از نظر کارشناسان روستایی منطقه در سه طبقه عمده قرار می‌گیرد که عبارتند از: شرایط علّی، شرایط بستری، و شرایط مداخله‌گر. در این بررسی شرایط علّی شامل سرمایه اقتصادی روستایی (نرخ بیکاری روستایی، ثروت کارآفرینان روستایی و وضعیت تولیدات روستایی) و مشهود شدن تأثیر مزیت رقابتی در جریان تولیدات روستایی منجر به افزایش فرصت‌های شغلی، درآمد و قدرت خرید روستاییان و در نتیجه معیشت پایدار و بهبود کیفیت زندگی در روستاها می‌گردد.

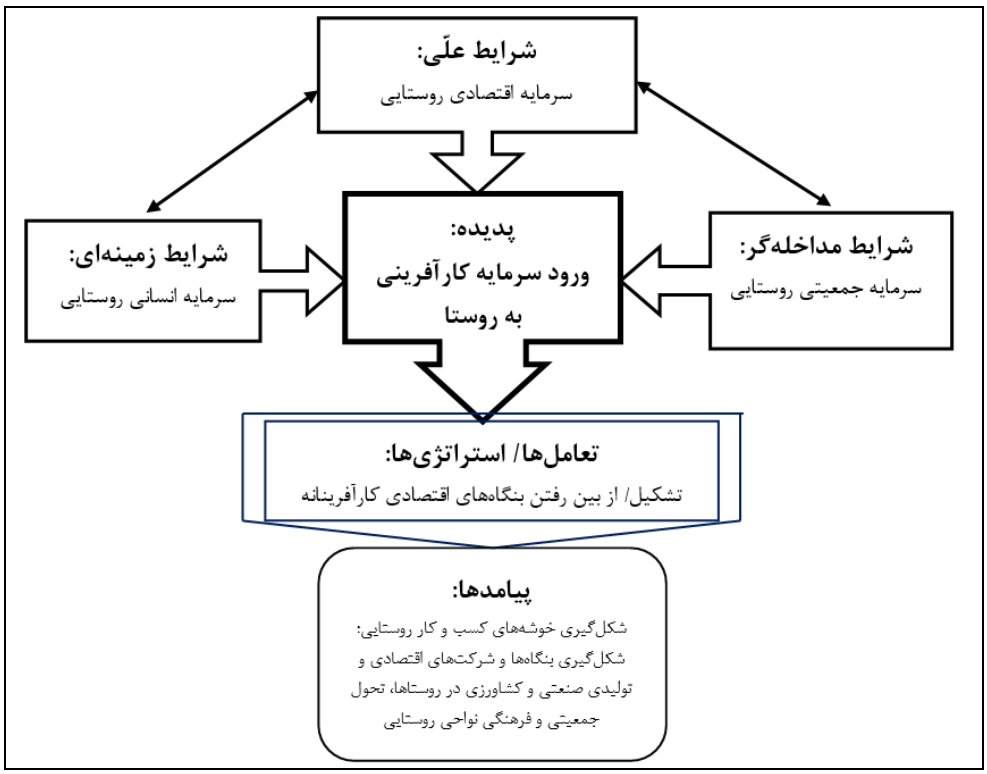

شکل شماره (۴): مدل زمینه‌ای عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه در روستاهای شهرستان کرمانشاه

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۶

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

شرایط مداخله‌گر نیز شامل سرمایه جمعیت روستایی (جمعیت بالای ۶۵ سال روستایی، جمعیت بیکار قبلاً شاغل و یا بازنشسته روستایی، مهاجران وارد شده به استان از روستا به شهر) می‌شود. کارشناسان معتقد بودند که "شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی نوآور از سوی روستاییان منجر به حفظ سرمایه انسانی شاغل و فعال روستا (۱۵ تا ۶۴ سال) می‌گردد". پر واضح است حفظ جمعیت فعال محلی (جوانان روستایی)، کاهش درصد مهاجرت از شهر به روستا را کاهش و در برخی از بسترهای جغرافیایی منجر به مهاجرت معکوس (شهر به روستا) شده است. به علاوه، سرمایه انسانی روستا نیز در شرایط زمینه‌ای و بستری طبقه‌بندی می‌شود؛ به عبارتی، انقلاب فناوری اطلاعات و تغییر ترکیب نیروی کار به نفع نیروهای دانش محور از زمره این تغییرات است. شاید مهم‌ترین روندی که در اقتصاد دیده می‌شود، حرکت به سوی یک نظام اقتصادی با ماهیت شبکه‌ای است. در چنین اقتصادی، کنترل و تخصیص منابع به صورت توزیع شده صورت می‌گیرد و نقش نیروهای انسانی و بنگاه‌های اقتصادی اجتماعی در رشد و توسعه اقتصادی به مراتب بیش از نظام متمرکز برنامه‌ریزی دولتی خواهد بود. کارشناسان معتقد بودند که "نیروهای کار ماهر فنی در خانواده، حضور کارآفرینان مجرب در روستا، نزدیکی به دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، نزدیکی به مراکز صنعتی (کارخانه، سیلو) همگی از مواردی است که موجب سرریز دانش به روستا و فراهم شدن زمینه شکل‌گیری شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه می‌شود".

شرایط مذکور به طور کلی و در امتداد با یکدیگر باعث شده که پدیده‌ای به‌نام سرمایه کارآفرینی و عناصر فضایی آن وارد نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه شود. با ورود عناصر فضایی سرمایه کارآفرینی به کرمانشاه، روستاییان به دو گونه متفاوت با آن تعامل پیدا کرده و یا دو طیف استراتژی در برابر آن به کار برده‌اند. این دو شیوه تعامل یا استراتژی از پذیرش مثبت و عملی تا ارزیابی منفی و مقاومت را شامل می‌شود. بدین معنا که کارآفرینان نواحی روستایی کرمانشاه ضمن تأکید بر نقش و اهمیت عناصر جدید در تقویت فرهنگ و هویت محلی از طریق توسعه خدمات و محصولات محلی، افزایش میزان آگاهی و به دنبال آن افزایش دانش مدیریت کار، بهبود باورها، انتظارات و طرز تفکر روستاییان شرایط فرهنگی را علی‌الخصوص برای فعالیت‌های کارآفرینانه زنانه تسهیل می‌کند. اکثر زنان کارآفرین اظهار می‌داشتند که در شروع کار با فشار زیادی از سوی محیط روستا و یا خانواده خود مواجه بوده‌اند، چرا که به علت فرهنگ مردسالاری و باورهای غلط مردان روستا، انجام کارهای مهم و سودآور و بدیع فقط از عهده مردان بر می‌آید و فقط زنان برای کارهای محدود به محیط منزل، بچه‌داری و صنایع دستی مثل قالی‌بافی ساخته شده‌اند. بنابراین تعاملات روستاییان را در برخورد با پذیرش کارآفرینی می‌توان بر پیوستاری از پذیرش عملی تا احساس مقاومت قرار داد. در نتیجه این تعاملات و تحولات فرهنگی، کارآفرینان شکست را تجربه می‌کنند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

پدیده ورود عناصر سرمایه کارآفرینی در نواحی روستایی شهرستان کرمانشاه نتایج و پیامدهای فضایی را به دنبال داشته است که می‌توان پیامدهای مذکور را (همان طور که در مدل (شکل ۳) نیز نشان داده شده است) در چند مقوله دسته‌بندی کرد که عبارتند از: سرمایه اقتصادی، سرمایه انسانی، سرمایه جمعیتی. به عبارتی بین بسترهای عینی فضایی روستا (ساختار آن) و فعالیت‌پذیری و تحقق روابط اقتصادی کارآفرینی (کارکرد آن) همپیوندی وجود داشت. کنش‌های نوآورانه کارآفرینان به انتظام بخشی فضایی کمک می‌کند و کارآفرینان از طریق بازساخت فضایی فرآیندهای اقتصادی ـ اجتماعی روستا منجر به تغییر و دگرگونی مثبت در زیرساخت‌ها و روابط اقتصادی و اجتماعی و شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی روستاها می‌شود.

۵) نتیجه‌گیری

در مسیر رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی، از چالش برانگیزترین موضوعات برای تصمیم‌گیرندگان دولتی و خصوصی، شناسایی مناسب‌ترین ابزار برای ارتقاء کارآفرینی، در توسعه اقتصاد منطقه‌ای است. یافته‌های مطالعه زمینه‌ای درک معنایی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری بنگاه‌های اقتصادی کارآفرینانه در نواحی روستایی، نتایج این مطالعه به وضوح نشان می‌دهد، ظهور بنگاه‌های اقتصادی نوآروانه در یک بستر جغرافیایی (روستا) بسان یک سرمایه مهم می‌تواند منجر به رشد و توسعه اقتصادی ـ فضایی در نواحی روستایی، منطقه‌ای و ملی گردد. مباحث ارائه شده، بر اساس فرآیند معنایی مورد نظر کارشناسان جهاد کشاورزی در نواحی روستایی مورد مطالعه بازسازی شده است. این فرآیند نشان داد که متغیرهای مؤثر بر شکل‌گیری سرمایه‌های کارآفرینی در نواحی روستایی تحت چه شرایط/ بسترها، تعاملات/ استراتژی‌ها عمل کرده و همچنین نقش ورود سرمایه‌های کارآفرینی را از نقطه نظر کارشناسان و مطلعین کلیدی پژوهش آن منطقه به تصویر کشیده شد. بنابراین با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان راهکارهای کاربردی زیر را جهت حصول به اهداف پژوهش پیشنهاد داد:

- اختصاص دادن بیشترین قسمت بودجه و درآمدهای عمومی شهرستان به فعالیت‌های بخش کشاورزی و صنعت؛
- افزایش تسهیلات بانکی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم جهت ایجاد و رشد طرح‌های تولیدی و کارگاه‌های صنعتی و کشاورزی شهرستان؛
- فراهم کردن زمینه‌های لازم برای فعالیت اقتصادی جمعیت فعال در محدوده سنی ۱۵ تا ۶۴ ساله استان با تأکید بر رشد اشتغال در بخش‌های عمده اقتصادی کشاورزی و صنعت؛
- افزایش تراکم کسب و کارهای صنعتی، به منظور تبدیل فعالیت اقتصادی شهرستان از وضعیت خدماتی به وضعیت تولیدی؛

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- تشکیل شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی جدید و کارآفرینانه، در سطح شهرستان، با توجه به نیاز منطقه که با یک ابتکار و نوآوری همراه باشد؛
- فراهم کردن زمینه‌های شغلی مناسب برای بازنشستگان با توجه به موقعیت استراتژیک و توان طبیعی شهرستان برای راه‌اندازی کسب و کارهای جدیدی که به تجارت خارجی و توسعه گردشگری در منطقه منجر شود.

۶) منابع

- احمدپورداریانی، محمود و محمدکاظم نصیری، (۱۳۹۰)، **تئوری‌های کارآفرینی (نظام‌های اقتصادی و کارآفرینی)**، نشر اخلاص، تهران.
- الماسی، مجتبی، کیومرث سهیلی و اصغر سپهبان قره‌بابا، (۱۳۹۰)، **بررسی آثار سرمایه‌گذاری در آموزش عالی بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۵۰ ـ ۱۳۸۴**، پژوهشنامه اقتصاد کلان (پژوهشنامه علوم اقتصادی)، شماره ۱۱، صص ۳۴ ـ ۱۳.
- براداران، مسعود و سعیده آل‌بویه، (۱۳۸۷)، **تبیین ضرورت پرورش مدیران کارآفرین**، قابل دسترس در سایت ایده و خلاقیت:

http://ideaandcreativity.com/%D9%85%D9%82%D8%A7%D9%84%D9%87/

- جوان، جعفر، (۱۳۹۰)، **جغرافیای جمعیت ایران**، چاپ هفتم، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.
- حبیب‌زاده، شکوفه، (۱۳۹۴)، **شهری شدن رانت در تهران**، روزنامه شرق، شماره ۲۳۱۶، صفحه ۴، ۱۳۹۴/۱۳/۱۶.
- حیدری‌ساربان، وکیل و علی مجنونی‌توتاخانه، (۱۳۹۶). **نقش سرمایه روان‌شناختی در ارتقای کارآفرینی روستایی استان آذربایجان شرقی**. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، جلد ۶، شماره ۲۲، صص ۱۱۸ـ ۹۷.
- خنیفر، حسین و فردین وکیلی، (۱۳۸۷)، **رابطه بین نوع ساختار سازمانی و کارآفرینی سازمانی و اقتصادی در شرکت-های اقتصادی کوچک و متوسط**، فصلنامه توسعه کارآفرینی، شماره دوم، صص ۵۵ ـ ۳۵.
- رکن‌الدین‌افتخاری، عبدالرضا و سیدعلی بدری، (۱۳۹۲)، **نظام الگوی توسعه‌ای در مناطق روستایی: آموزه‌هایی از تجربیات روستای نمونه در جهان و ایران**، چاپ اول، انتشارات نور علم، تهران.
- رنانی، محسن، مصطفی عمادزاده و رزیتا مؤیدفر، (۱۳۸۵)، **سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی: ارایه یک الگوی نظری**، مجله پژوهشی علوم انسانی (ویژه‌نامه اقتصاد) دانشگاه اصفهان، شماره ۲، صص ۱۵۱ ـ ۱۳۳.
- سعیدی، عباس، (۱۳۸۹)، **محیط، فضا و توسعه بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی ـ شهری**، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۱، صص ۱۲ ـ ۳.
- سعیدی، عباس، (۱۳۸۱)، **مبانی جغرافیای روستایی**، چاپ چهارم، انتشارات سمت، تهران.
- صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی، (۱۳۸۲)، **برآورد سهم سرمایه انسانی در رشد اقتصادی ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ ـ ۱۳۸۰**، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۱۷، صص ۹۸ ـ ۷۹.
- عربیون، ابوالقاسم، غلامحسین عبدالله زاده، محمدرضا میگون‌پوری و بهرام‌رضا امیری، (۱۳۹۰)، **شناسایی عوامل اثرگذار بر ایجاد بانک‌های مجازی ایده(مطالعه موردی در شرکت مخابرات خراسان رضوی)**، فصلنامه توسعه کارآفرینی، شماره ۱۳، صص ۱۸۴ ـ ۱۶۷.
- عظیمی‌آرانی، حسین، (۱۳۹۰)، **اقتصاد ایران: توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ**، چاپ سوم، نشر نی، تهران.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- قدیری‌معصوم، مجتبی، علی غلامی، فاطمه محمدزاده لاریجانی و حجت، (۱۳۹۶). **الگوی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی شهرستان خوی با رویکرد الگوسازی ساختاری تفسیری**. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، جلد ۶، شماره ۲۱، صص ۱۶۴ـ ۱۳۹.
- کاظمی‌ترقبان، مریم و محمدحسن مبارکی، (۱۳۹۱)، **بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از رویکرد میانگین‌گیری بیزی**، فصلنامه توسعه کارآفرینی، شماره ۱۷، صص ۱۴۴- ۱۲۵.
- گلزاری، مسعود، (۱۳۸۶)، **جغرافیای شهری و روستا شناسی**، انتشارات کتابدار، تهران.
- مؤمنی، فرشاد، دشتبانی، سارا و بانوئی، علی‌اصغر، (۱۳۹۶)، **اهمیت بخش کشاورزی در حفظ تعادل اقتصادی - اجتماعی ساختار شهری و روستایی ایران**. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، جلد ۶، شماره ۲۲، صص ۴۶ـ ۱۷.
- Acs, Z. J., Audretsch, D. B., Braunerhjelm, P., and Carlsson, B. (2005) **Growth and Entrepreneurship: An Empirical Assessment**, Max Planck Institute of Economics: Discussion Paper on Entrepreneurship, Growth and Public Policy.
- Acs, Z.J and N. Virgill. (2009) **Entrepreneurship in Developing Countries**, Jena Economic Research Papers 2009 – 023. pp 1-80.
- Audretsch, D., and Keilbach, M. (2004) **Entrepreneurship Capital and Economic Performance**, Regional Studies, 38(8), 949 - 959.
- Bashir, S. (2013) **A Spatial Analysis Of The Role Of Entrepreneurship In The Economic Development In Northeast Regionof The United States**, Dissertation Submitted To The Davis College Of Agriculture, Natural Resources And Design At West Virginia University. P, 121.
- Braunerhjelm, P, Acs, Z, J; Audretsch, D,B; and Carlsson, B,. (2010) **The missing link: knowledge diffusion and entrepreneurship in endogenous growth**. Small Bus Econ (2010) 34:105–125.
- Brinkman, R., (1995) **Economic Growth versus economic development: Towards a conceptual clarification**, Journal of Economic Issues, 29(4): p. 1171-1188.
- Earle, J.S., J.D. Brown, and D. Lup, (2005) **What Makes Small Firms Grow? Finance, Human Capital, Technical Assistance, and the Business Environment in Romania, forthcoming**, Economic Development and Cultural Change, 54(1): p. 33-70.
- Fei, J.C.H. and G. Ranis, (1969) **Economic Development in Historical Perspective**, The American Economic Review, 59(2): p. 386-400.
- Fölster, S. (2000) **Do Entrepreneurs Create Jobs?**, Small Business Economics, 14(2), 137-148.
- Fritsch, M. (1997) **New Firms and Regional Employment Change**, Small Business Economics, 9(5), Pp: 437-448.
- Hamilton, B. H. (2000) **Does Entrepreneurship Pay? An Empirical Analysis of the Returns of Self-Employment**, The Journal of Political Economy, 108(3), 604-631.
- Hayek, F.A., (1945), **The Use of Knowledge in Society**, The American Economic Review, 35(4): p. 519-530.
- Iyigun, M. F; and Owen, A. L. (1999) **Entrepreneurs, Professionals, and Growth**, Journal of Economic Growth, Vol 4, Pp: 213-232.
- Johnston, B. and J. Mellor. (1961), **The Role of Agriculture in Economic Development**, The American Economic Review, 51(4): p. 566-593.
- Mandelman, F. S., and Montes-Rojas, G. V. (2009) **Is Self-employment and Micro-entrepreneurship a Desired Outcome?** World Development, 37(12), 1914-1925.
- Mata, J., and Portugal, P. (1994) **Life Duration of New Firms**, The Journal of Industrial Economics, 42(3), 227-245.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- Muller, S. (2013) **ENTREPRENEURSHIP AND REGIONAL DEVELOPMENT: ON THE INTERPLAY BETWEEN AGENCY AND CONTEXT**, A PhD thesis submitted to Business and Social Sciences, Aarhus University. P, 220.
- Pa sakarnis, G., & Maliene, V. (2010) **Land readjustment for sustainable rural development In: EURO Mini Conference 5th International Vilnius Conference on Sustainable Development: Knowledge-Based Technologies and OR methodologies for Strategic Decisions of Sustainable Development**, Vilnius, Lithuania, pp.169–174.
- Parker, S. C. (2004) **The Economics of Entrepreneurship: What We Know and What We Don"t**, Foundations & Trends in Entrepreneurship 1, 1-55.
- Prusa, T. J., and Schmitz, J. A. (1991) **Are New Firms an Important Source of Innovation? : Evidence from the PC Software Industry**, Economics Letters, 35(3), 339-342.
- Shane, S. (2001) **Technology Regimes and New Firm Formation**, Management Science, 47(9), Pp. 1173-1190.
- Vidican, G. (2009) **Assessing land reallocation decisions during transition in Romania**, Land Use Policy 26, 1080–1089.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]